



■ فرزاد زاده‌محسن

صدرای عصر فراموشی...

پیشنهادها و نظریه‌های جدید او که از ۱۱ سالگی با تقدیم مباحث منطقی و در ۱۳ سالگی با نقدهای اصولیان آغاز می‌شود و سرانجام نبود علیمی او که در حسابت آیت‌الله محمد رضآلی پاسین در فقه به استنباط و اجتہاد، بعاد تازه‌ای با درک عمیق نیازهای موجود می‌بخشد، خصالت نوآوری، تحویل، اتفاقی، میناساری و طرح‌بزی زیراختنها و زمزمه‌های توریک را در کلیه آراء و فناواری او آشکار می‌سازد. او ز همان دهدوم عمر که به اجتہاد مطلق نائل می‌گردد در ۱۷ سالگی (۱۴۷۰)، از طرف آیت‌الله شیخ عباس ریشه دعوت به همکاری در حاشیه‌نویسی علمی و اجتہاد می‌شود و تا دوران اوج شکوفایی خود در حوزه‌هجه این خصلت کار آمدی، پاسخگویی و پیشگامی را در تمامی رویکردهای ذکری، مباحث فقهی و انتخاب موضوع کتب و نگاشتهای علمی خویش در نظر دارد. دو کتاب «فلسفت» و «فناخت» از قصائدان بی‌قینه هنر و هنچنان به عنوان سنیت زنده از استحکام می‌باشند. همچنانی و غایی فرهنگی اعقادی در مواجهه با موج حوزه‌های معارف به شمار کار آمدی، تاثیقاتی که مستوارد دقیق و تعمیق اور در معادف دینی از سوی و شاخت جمهه مکاتب جدید از سوی دیگر است؛ نشان از بینشی انتقادی دارد که هیچ یک از عرصه‌های ساختهای موردن توجه و تأثیر جامعه را از نظر دور می‌دارد. از تغییر و پانکاری و مباحث گوناگون این اقصاد نظریه: «صرهه کامله الافتخار المجمعع الانساني»، «البلک البروي في الإسلام»، «اما اتعرف عن الاقتصاد الاسلامي»، که باهدف شاخت جامع و معرفی و تبیین مقوله اقتصاد اسلامی و راههای احیا آن در عصر جدید گشته شده‌اند تقدیم ماتریالیسم تاریخی و تاریخی‌لیسم دلایلکش و حتی خودهای اعیانه شناسی و تحابی تیره و ناطمشن فرمی نمود، با تگاهی سیستماتیک به آن بوده.

■ پیرویگی دیگر در اندیشه و آثار این مرجع بزرگ، کششگری و چاشنگری اوست که در یافتن راههای عرصه‌های تازه و اندیشه‌یان به تحقیق و عینت بخوبی نظرات خود متأثر از همان قاعده‌ی علمی و پرداختن به همه جواب و جهات موضوع، خصلتی ذات‌کارکردی و اجتماعی و متماله مرتبط با ساختهای همکاری دارد و مطوف به «اصلاح» و «تغییر» و «تحول» و «دگرگونی» و «نوآوری» است و به محصور در چهار جهوب تئوری و مفهوم و مقدم در لفظ حوشایی حرکت آن به کار و حاضری که در متن و بر فراز مباحث اجتماعی و به سمت استقرار و تبیث نهاده است.

■ «زمان شناسی» و «جزیر شناسی» و شناخت و آپشخورها و سرشچه‌ها و نتفاق آغازین هر مسالک و مکتب و شناسایی تأثیر آن در افکار عمومی و در سطح اجتماعی از دیگر وجهه این نقش مصلحانه محسوب می‌شود.

■ ختم سخن آن است که باید این حضور قاطع و موثر را در اندیشه‌یان بتوانیم و احیاگری مجدد آن تاریخ پر افتخار، از تبیان‌شناختی نمود و گوهرهای انسان و نادیده را این گنجینه‌یان بروزن کشید و به استمرار داده و بواحت این جریان عظیم و توسعه دامنه‌های آن در صحر احیا اندیشه‌شید.

اصفهان
پیش‌نیت فروزان دین
۱۳۸۶

صدرایی موج تلاش و تکمیلی سایه‌ای در عرصه علوم عقلی گردید و مکتب اصفهان و سپس مکتب طهران را با محوریت حلقة‌ها و حوزه‌های چون «آق‌اسید محمد بدی‌آبادی» پایه‌ریزی کرد و در نهایت این شجره پر از تاور، سرشاخه‌هایی چون «المهادی سیروزی» صاحب منظمه را شکوفا می‌نمود؛ شهید صدر نیز با تگاهی پیش‌یاب و کاوشنگ بر اساس رویکرد ایداعی و ابتکاری و راهگشا و عرصه‌آفرین باسترسازی توریک و شناخت و توانمندی‌های و می‌گسترش ظرفیت‌های اجتہاد و مقاومت و «صلحانه» در این منظر تلقی کیم، نقش و نیشل «آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر» و آنچه از در عرصه اندیشه‌یاری و اجتہاد فقیهی خود در بیش از سه دهه به ده ماده و نیز تأثیرگذار و جریان‌سازی اودر گشودن مژه‌ها و گستردن ساختهای افقی‌های نوین و نیافرده از اندیشه‌ی فقهی و فلسفی معاصر شیعه و در یک چشم‌انداز تاریخی را یاد گذشت ۲۷ سال زمان‌گذاری از چونه باید از زیری کرد؟ آنچه بدهی است در هرگذر شناخت عمیق و همه جانبه از آفاق شیرازی در عصر ادبیات و افکار و در دورانی که کرسوسی کم فروغ خرد فلسفی مرفت و از خاموشی گردیده بین افکنند نظام و سامانی نوشت و در سی و نیز در زمانی که شواهد این می‌گشته و خذلان شاهی از حامتیت بعث و مسلطه‌گذار و دامن گستر مکاتب الحادی و گراشها مختلف و همکونون فکری، عرصه را چنان تک کرده بود که راه بر گونه طراحی و مهندسی یک ساختمان منجم، متمکمال و ارگانیک (به لحاظ فکری) و آماده استقرار و جایگزینی (به لحاظ همکونون) بسته و دشمن از همکونون فکری، سیاسی و اجتماعی معاصر جهان اسلام، بازنشاسته و تحولات فکری کاتانه، شخصیت ابعاد حیات فکری و دانشمندی نفوذ معنی شهید آیت‌الله صدر، ضرورتی پایسته و تاکریز به نظر می‌رسد.

■ اگر آن عالم مجاهد را در قامت یک «مجدده» و «مصلح» تمام عبار در عصر اگزار و انتقال ای اسپرها و بنی‌ماده‌ها و بنی‌نهاده‌های مرغی‌شی پیشنهاد و تکنها و تحولات ناشی از فراگیری سامان جمعی مدن و گستینها و گسلهای ظلم فکری که بی‌امیدیه طهور و رواج جنشهای جریانها و مکتبها و ایسمهای گوناگون و بازخورد های بر تنش و پر لالطم آن در سطح عمومی بود. بدایم عصری که می‌توان از آن به افول زوال و احباط و استداد معروفی یاد کرد و بزیر عصر فراموشی و فروپستگی حاصل از فرونهادن سنت آفرینشگر و زانده‌ی اسلامی سلف و حکمت و طرقیت اصول و تعالی «قدمای اقیانی می‌شده از شیخ صدوق» تا «شیخ طوسی» در این منظر نگری و بویش فقهی و فلسفی اور ادر راستی احیای آن سنت فراموش شده و از بادرقه، در هنکامه‌ای آنچه ناممکن است فراموش شده و از ناباور، طرفیت دروده و عقیم از تربیت و ظهور و بیرون بزرگانی چون عالمه حلى و خواجه نصیر و شیخ الطائفه و صاحب جواهر، مورد دادقه و تأمل قرار دهیم؛ این نقش احیاگرانه را می‌توانیم حضور «صدر المتألهین» در عصری که به نظر سید روح‌الله شفیعه اسلامی طرقیت و استعداد امداد، راشکشگری و عرصه‌گشایی را از دست داده و بس از طریق حکمی شیخ‌الاشراف در فلسه و سنت عرفان فلسفی و در آن زمان «مدررسی» و تغور شده شیخ اکبر حجی‌الدین عربی، دیگر دست بازیدن به قله‌ای قرین معماري شکوهمند فلسفه مشانی، محل و ناممکن است قلمداد کنیم به آفرینش نقطه اوج و سرفصل در شانای چون «ماغاره عده قعله» در استمرار همان سنت و ظهور همان قابلیت ذاتی برای فلسفه منتهی شد، آنگاه «صدر» راهم از پس «صدر»، محترم بنایی نوین در عصر ویرانی، اندیام و تخریب ساختهایی پیشنهادی طراحی نظام فکری و سامان توریک بود و پاسخگویی که هم به پیشنهادهای عظمی از مبالغه سنت ممکن است و هم دریافت جامعه واقع‌بینانه و فراگیری از مفهومیت و نیازهای امروز و بزرگ عینی از ضرورت‌های زیستن در دوران و دنیا ای جدید دارد و هم پیشنهادی آنده‌نگ، رو به جلو و مطلع به گشون گهه‌ها ترسیم افق و چشم‌اندازهای بند مدت که ناشی از نگرشی ساختارهای پیشنهادی سیستم‌ساز در اندیشه فرد است. به همان‌گونه که «میراث خود

ناگوارین و فاجعه‌بارترین برده‌های تاریخ معاصر از خود به یادگار گذاشت.

■ زمینه گستردگی مطالعات و پژوهش‌های از که با ذوق انتقادی و تحقیقات اور را در حوزه‌های متعدد و متنوعی از اقتصاد و جامعه‌شناسی و تاریخ و فلسفه سیاسی و... ترسیم می‌کند.